اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**بحثی را که ایشان فرمودند عرض کردم در ذیل بحث فضولی سه تا مساله آوردند ، بقیه‌ی فضولی را که نخواندیم گفتیم این سه مساله را چون ربطی هم خیلی به فضولی ندارد یکی‌اش این که باع مال نفسه مع ماله غیره انصافا عرض کردم به روایت صفار تمسک کردند به نظرم اشکال دارد روایت اشکال ندارد اما این تمسک‌های آقایان اشکال دارد .**

**بعد فرع دیگری را مطرح کردند لو باع صفحه‌ی 531 : لو باع ما یقبل التملک و ما لا یقبله ، لو باع ما یُملک مع ما لا یُملک نه ما یَملک، ما یُملک مع ما لا یُملک ؛ مشهور در فتوای اصحاب این است که در مملوک درست است در غیر مملوک باطل است البته در اینجا یک فرقی که با آن مساله‌ی سابق دارد یَملک ، در آنجا آن قسمتی که مربوط به لا یملک بود مبنی بود بر فضولی اگر فضولی درست بود آن ما لا یملک هم درست است متوقف به اجازه است .**

**اما اینجا ما لا یملک اصلا کلا باطل است دیگر احتمال درستی درش نیست دقت کردید ؟ آنجا چون نصفش فضولی بود نصفش اصیل بود برای خودش بود یک مقدارش هم فضولی بود اگر گفتیم فضولی باطل است خوب عقد اشکال پیدا می‌کند اگر گفتیم فضولی درست است کل عقد درست است نصف خودش که برای خودش بود نصف هم برای مالک است درست است اما مالک باید اجازه بدهد، دقت کردید ؟**

**اما در اینجا دیگر احتمال صحت نیست ، چرا چون اینجا یُملک و غیر یُملک است احتمال اینکه در خمر درست باشد نیست ، یا در خنزیر درست باشد نیست ، احتمالش نیست در شراب درست باشد ، در انگور مثلا در آب انگور باطل باشد ، یعنی درست باشد در آن یکی ، آن هم درست باشد متوقف ، اجازه‌ای ندارد .**

**اینجا هم مرحوم شیخ قدس الله نفسه تمسک می‌کنند که صح فی المملوک عندنا عرض کردم ایشان کلمه‌ی عندنا آوردند من سابقا عرض کردم این در این کتاب کشف القناع نکات بسیار لطیفی را در باب اجماع دارد ، خوب است اصلا من عرض کردم این کار بسیار کار خوبی است چون معروف است ادله چهار تاست در هر چهار دلیل کتاب مستقل نوشته بشود حالا بحث روایتش طولانی است قسمت ، قسمتش بکنند .**

**مثلا اجماع ، در اجماع یکی اینکه بحث می‌کنند اجماع چه وقت آمد ، چطوری آمد ، چطور شد ، علمای اهل سنت قائلند ، علمای اهل سنت قائل نیستند ، عرض کردیم مشهور علمای اهل سنت قائلند به حجیت اجماع ، بعدها در میان علمای اهل سنت مناقشاتی پیدا شد بیشترش مناقشات صغروی بود اشتباه نشود با کبروی ، مناقشاتی که پیدا شد مناقشات صغروی ، چون دنیای اسلام توسعه پیدا کرده بود بزرگ شده بود گفتند اصلا تحصیل اجماع مشکل است در زمان ما برویم بگردیم همه‌ی فقهای اسلام ، همه‌ی علمای اسلام را سوال بکنیم از آنها ، دقت کردید ؟**

**در عده‌ای از این کتب متاخرشان مثل غزالی در مستصفی که اشکال می‌کنند اینها بیشتر اشکالشان صغروی است اجماع حجت اما تحصیل اجماع چطور بشود آن هم با این توسعه‌ای که جهان اسلام دارد با این دانشمندان مختلف که دارند ، جاهای مختلف که هستند ، ما برویم از تمام آنها سوال بکنیم و همه یک رأی واحد داشته باشند این تحصیل اجماع مشکل است .**

**اما عده‌ای از آنها در خود اجماع هم مشکل دارند مثل ابن حزم ، اصلا یکی از مشخصات مذهب ظاهری‌ها با بقیه‌ی مذاهب اهل سنت هم اجماع است . ظاهری‌ها اجماع را حجت نمی‌دانند بله ظاهری‌ها خصوص اجماع صحابه را حجت می‌دانند مثل ما قائل به کشف هستند ، دقت کردید ؟**

**آن که می‌گوید اجماع حجت است این جزو مصادر تشریع است ، هم چنان که قرآن و روایت مصدر تشریع هستند خود اجماع هم مصدر تشریع است . لذا مثلا من باب مثال اگر در زمان ما فرض کنید حالا علمای اسلام در جهات مختلف اتفاق نظر کردند که الان چون قربانی در حج خوب مصرف نمی‌شود اصلا قربانی را برداریم وجوب قربانی را ، هدی را ، ذبح را برداریم اصلا از حج برداریم چون درست انجام نمی‌شود ، حالا فرض کنید علمای اسلام اتفاق کردند ، آنها می‌گویند بله کتاب تخصیص می‌زنیم ، دقت کردید چه می‌خواهم بگویم؟**

**یکی از حضار : اگر کاشف از قول معصوم باشد باز هم جزء تشریع حساب می‌شود ؟**

**آیت الله مددی : قول معصوم هم همینطور است فرق نمی‌کند آن جزء مصادر تشریع می‌شود ، دقت کردید ؟**

**اهل سنت لذا حتی عرض کردم ما در کتاب‌های ما در کتاب اصولی که من دیدم البته عرض کردم همیشه این می‌گویم من دیدم این دیدن‌های من در حدود 1 درصد است خیال نکنید استقراء کردیم همه‌ی کتب اصول ، این کتاب‌های اصولی که ما دیدیم حدود 1 درصد از کل کتب اصولی شیعه بحث شوری را ندارند ، اجماع را دارند شوری را ندارند ، اما در اهل سنت شوری هم هست ، فرقش هم واضح است در اجماع همه اتفاق نظر دارند ، در شوری اکثریت ، عده‌ای از اهل سنت شوری را هم حجت می‌دانند .**

**در حقیقت آقایان چون خیلی به مشروطه فحش می‌دهند حالا آن استبدادی‌ها و اینها نکته‌ی اصلی در مشروطه این بود که اینها می‌خواستند بگویند که شوری هم یک مصدر تشریع است ، مشروطه . اینکه مرحوم شیخ فضل الله نوری در اواخر کار اعلامیه داد و گفت مشروطه کفر است ناظر به این است ، اینها بعد تکفیر کردند رسما مشروطه را تکفیر کردند چون اینها می‌خواستند بگویند که اگر اکثریت جمع شدند اهل حل و عقد ، اکثریت نه باز هم اجماع یک مطلبی را قبول کردند این می‌شود شرعی ، می‌شود حکم شرعی .**

**یکی از حضار : مثل سقیفه .**

**آیت الله مددی : مثل سقیفه ، دقت کردید ؟ حالا سقیفه را می‌گویند نه اجماع ، ادعای اجماع دارند ، سقیفه را ادعای اجماع دارند ، دقت کردید ؟**

**شوری ، مضافا بر اینکه سقیفه مساله‌ی فقهی نیست ، مساله‌ی اجتماعی ، سیاسی اجتماعی است ، نه اینها در فقه هم می‌خواهند بگویند ، عرض کردم اگر می‌خواهید نگاه کنید مثل احکام ابن حزم ، ابن حزم در اصول هم کتاب دارد الاحکام فی اصول الاحکام ، قشنگ است کتابش البته عرض کردم چون ظاهری‌ها با متعارف اهل سنت فرق می‌کنند لسان خاص خودش را دارد ، مضافا که اصولا این کلا در ذهنتان باشد کتبی که ما از لغت اندلس داریم فرق می‌کند ، مثل همین کتاب‌هایی که الان از غربی‌ها ترجمه می‌کنند اینها لغت خاص دارند غربی‌ها یک جور خاصی ، لغت خاصی دارند .**

**در دنیای اسلام هم اندلسی‌ها مثل غربی‌های زمان ما ، چون آن هم غرب است دیگر اسپانیا است دیگر فعلا جزو غرب است ، اندلس همان اسپانیا است ، دقت کردید ؟ در لغت اندلس عربی‌اش یک کمی سنگین است یک لغت خاصی است ، لغت به اصطلاح اندلسی‌ها و لذا عرض کردم این مثلا کتاب ابن خلدون ، مقدمه‌ی ابن خلدون یک مشکلش این است که این لغتش آن است و کذلک رحله‌ی ابن بطوطه اصطلاحات آنها یک کمی ، خود همین کتاب ابن حزم فرق می‌کند مثل این عربی‌های ما نیست و اصطلاحا هم در همان دنیای اسلام به آن مغاربه می‌گفتند در مغنی دارد غارت المغاربة ، مراد ایشان از مغاربة اندلس است نه اینکه غربی‌ها ، غربی‌ها که عربی صحبت نمی‌کنند به مناسبت کلمه‌ی مغاربه مراد اندلس است ، اندلسی‌ها یک جور خاصی .**

**علی ای حال ابن حزم حالا احکامش خیلی چنین مثل بقیه‌ی کتب اصول نیست اما حالا قشنگ است خوب است دیگر برای تفکر مذهب ظاهری خوب است انصافا هشت جزء است لکن در دو مجلد چاپ شده است ، هر مجلدی چهار جزء است و دارم من ، آنجا شوری را می‌آورد .**

**یکی از حضار : حاج آقا شوری با شهرت فرق می‌کند ؟**

**آیت الله مددی : شهرت بالاخره یا شهرت روایی است یا شهرت فتوایی ، شوری فرضش این است که حکم مساله حکم ندارد هم اجماع هم شوری فرضشان این است که مساله حکم ندارد ، یعنی مساله در قرآن و در روایات نیست ، اصلا فرض اجماع اینجاست و الا اجماع بخواهند ادعا کنند این جایی که روایت هست که معنا ندارد دقت می‌کنید ؟**

**حالا اگر شوری بود که عرض کردم این در مشروطیت هم وقتی آیه آوردند امرهم شوری بینهم این آیه را ذکر کردند ، مثل شاورهم فی الامر ، امرهم شوری بینهم ، یعنی می‌خواستند بگویند که اگر مسلمان‌ها در شوری یک رأیی دادند این رأی حجت است شرعا ، جزو مصادر تشریع ، شوری می‌گویم در کتب اصولی ما ، من ندیدم حالا لا اقل من ندیدم در کتب اصولی شاید در بحث‌های اصولی هم تا حالا از غیر از من نشنیده باشید که شوری را مطرح کردند اما این شده مطرح شده است غیر از اجماع است ، اجماع اتفاق است شوری اکثریت است، شوری را به عنوان شوری قبول کردند و راجع به این آیه‌ی مبارکه امرهم شوری ، متاسفانه الان در مجلس شورایی که هست ظاهرا همین امرهم شوری بینهم نوشته‌اند .**

**اینها در حقیقت نظرشان این بود که اگر مجلس شوری رأی داد ما می‌توانیم حکم شرعی را عوض کنیم آیه را تخصیص بزنیم ، روایت را عوض کنیم ، حکم عوض بشود .**

**یکی از حضار : خوب آیه را چه کار کنیم ، آیه که ظهور دارد در همین شوری ، وامرهم شوری بینهم را چه کار کنیم ؟**

**آیت الله مددی : خوب دیگر خیلی از بحث خارج می‌شویم ، آیه مربوط است به انصار اصلا ربطی به ما ندارد و لذا هم شوری نمی‌کردند نه ، و این هم واقعیتی است یک واقعیت تاریخی است ، آیه را نگاه کن شما قبل و بعدش را نگاه کنید ، من مختصر گفتم که خودتان مراجعه کنید .**

**انصار اصولا شورایی فکر می‌کردند لذا هم سقیفه را تشکیل دادند برای اینکه شوری باشد دیگر آن وقت مهاجرین تصادفا مهاجرین بیشتر ولایی فکر می‌کردند این دو تا تفکر که اهل مکه بودند و لذا عمر و ابوبکر و آن قصه ، انصار بیشتر شواریی فکر می‌کردند منا امیر و منکم امیر به شوری درستش می‌کردند در آن شوری و اما مهاجرین بیشتر جنبه‌ی ولایی فکر می‌کردند ظاهر آن آیه هم همین است و شاورهم فی الامر و اذا عزمت ، ببینید عزمت آن مرحله‌ی ولایت است ، یعنی شاورهم نه اینکه بعد ببینید اکثریت چه انجام بدهد فاذا عزمت ، تصمیمی که خودت می‌گیری ، خطاب به رسول الله لذا این نکته‌ای بود که گفتند آن آیه را گفتند این آیه را نگفتند .**

**این آیه درش ولایت دارد فاذا عزمت فتوکل علی الله .**

**یکی از حضار : فرمودید شوری جایی است که حدیثی روایتی نباشد بعد می‌گویید با خود شوری حکم را عوض می‌کنند ؟**

**آیت الله مددی : بله دیگر ، مثلا قرآن هست ، آیه‌ی قرآن هست ، یک حکمی هست ، شوری خلاف حکم آمد ، دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : اگر کلا حکم نباشد چه ؟**

**آیت الله مددی : مثلا الان یک مجلسی بین المجالس اسلامی قرار دادند شوری اکثریت به این شد که ذبح نکنند نه اجماع می‌گویند این هم حجت است ، ذبح برداشته می‌شود با اینکه در قرآن هست مساله‌ی هدی ، حتی یبلغ الهدی محله ، در قرآن هدی هست این برداشته می‌شود ، حکم با اجماع با شوری ، روشن شد ؟**

**پس ابن حزم ، و لذا ابن حزم ظاهری در حکم اخباری‌های ما هستند این هم جزو عجایب است اشکال مهم ابن حزم هم به علمای اهل سنت ، خیلی هم بد زبان است ابن حزم ، خیلی معروف است خیلی تند است به همین ابو حنیفه و شافعی ، خیلی اهانت‌های تندی، اصلا علمای شیعه‌ی ما به این بد زبانی نیستند که این ابن حزم هست ، اصلا معروف است که زبان ابن حزم تیز تر از شلاق حلاج است ، این معروف است بینشان ، این زبانی که**

**یکی از حضار : حجاج ؟**

**آیت الله مددی : حجاج ، حلاج گفتم ؟ حجاج تیز تر از تازیانه‌ی حجاج است ، خیلی تند است روی همه‌ی مذاهب را اهانت می‌کند همه‌ی مذاهب اسلامی ، خیلی تند است انصافا ، علی ای حال با تعبیر تندی زیاد ، زیاد خیلی یکی دو تا ندارد ، بعد ایشان اجماع را حجت نمی‌داند یعنی یکی از اشکالات اساسی ، یکی هم قیاس را حجت نمی‌داند مثل ما ، نه قیاس را ، اصلا غیر از اینکه در اصولش نوشته ، یک رساله‌ی مستقلی هم دارد ایشان چاپ شده است رسالة فی الاجماع و القیاس من دارم آن رساله را غیر از اینکه در بحث اصول ، در فقه که الی ما شاء الله که عین فساد ، فاسد تمام است ، ایشان اجماع را یکی از حملات ایشان به حساب به فقهای اهل سنت همین حجیت اجماع است .**

**و عرض کردیم یکی از حملات مهم مرحوم ملا محمد امین استر آبادی به مجتهدین ما همین اجماع است ، در فوائد المدنیة چرا چون عرض کردیم از زمان علامه اصطلاح اجماع خیلی در فقه آمد ، از زمان علامه قبلش هم داریم مثل خلاف شیخ طوسی اما در فقه بیاید زیاد است این از زمان علامه شد لذا ایشان هم برای اینکه اصولیین را بکوبد بیشتر حملاتش متوجه علامه است در حقیقت ، رضوان الله علیهم اجمعین .**

**علی ای حال یعنی آدم تعجب می‌کند آن ظاهری‌ها یک نکته‌ی خیلی مهمشان به اهل سنت اجماع است ، اخباری‌های ما هم نکته‌ی مهمشان به اصولی‌ها اجماع است ، اجماع را که حجت نمی‌دانند یکی از نقاط مهمی که ملا محمد امین استر آبادی به اصولی‌ها اعتراض می‌کند که چرا اینها اجماع را بردند ، دلیلی بر حجیت اجماع ما نداریم .**

**لذا بیشتر متاخرین ما البته ما اجماع داریم در کلمات قدما چون سید مرتضی می‌گوید اجماع کاشف از قول امام است ، چون اگر علما اجماع کردند در بین علما امام هستند لذا گفتند اجماع دخولی یا تضمنی ، حالا تضمنی شاید لطیف‌تر باشد ، اجماع تضمنی ، ایشان وجه کشف را اجماع .**

**متاخرین ما که به حساب مثل وحید بهبهانی و اینها اجماع حدسی گرفتند یعنی حدسا قول معصوم از آن کشف می‌شود ، دقت کردید؟ نه اینکه تضمن باشد یا مرحوم شیخ قائل به قاعده‌ی لطف بوده آن هم نیست نه ، عرض کردیم این مبانی ، حالا خارج شدیم از بحث .**

**به هر حال اینکه ما بیاییم اجماع را در تاریخ اسلامی ، فقه اسلامی در تاریخ به حساب شیعه در روایات شیعه ما چون بعضی از جهات در روایات شیعه داریم که اجماع ذکر شد اجماع الامة این آمده نمی‌خواهم حالا شرح بدهم ، اینها توضیح داده بشود ، بعد هم مسائلی که در شیعه درش دعوای اجماع شده اینها هم جمع آوری بشود .**

**یعنی کل فقه بحث اجماع هر جا دارد شما در یک دوره جمعش بکنید ، که این مرحوم آقای شیخ اسد الله تستری در این کشف القناع، کشف القناع عن وجه حجیة الاجماع ، اسم این کتاب این است ، زحمت کشیده است انصافا هم بحث کلی‌اش را آورده متعرض شده هم عده‌ی زیادی از جزئیات را آورده است ، نسبتا کتاب قطوری است ، چاپ شده به نظرم چاپ جدید هم شده باشد من ندارم چاپ جدیدش را اما به نظرم شده کشف القناع چاپ جدید هم شده است و انصافا ایشان هم این کتابش و هم مقابسش خیلی تحقیقات لطیفی دارد انصافا حقا یقال خیلی زحمت کشیده ابداعات فراوانی دارد ، خیلی انصافا فقط بد عبارت است یعنی عبارات را کوتاه نمی‌آورد یک عبارتی همین جوری و ان کان همین جور ادامه می‌دهد ممکن است گاهی ده سطر ، دوازده سطر می‌شود تا مطلبش تمام بشود خسته می‌کند آدم را ‌وریعنی خیلی انسجام عبارتی‌اش قشنگ نیست ، و الا انصافا این کشف القناعش کتاب خوبی است ، کتاب مفیدی است .**

**به هر حال این کار ، کار بسیار خوبی است مثلا تمسک به ظواهر آیات و بعد آیاتی که به آن تمسک در فقه اسلامی کلا از صدر اول تا حالا که کل تمسک به کتاب در یک دوره فرض کنید 5 جلد بشود ، 6 جلد بشود ، 8 جلد بشود ، 10 جلد بشود در یک دوره کل تمسک به کتاب جمع بشود یک جا ، کل تمسک به اجماع جمع بشود ، هم به لحاظ کبری و هم به لحاظ صغری ، دقت کردید ؟ انصافا فکر خوبی است حکم عقل هم که خوب دارند اما آن هم همین طور این کار اگر بشود انصافا کار بسیار بسیار خوبی است .**

**بعد از کارهایی که مرحوم ملا محمد امین استر آبادی کرده الفاظی است که حکایت اجماع می‌کند مثلا می‌گوید یکی‌اش عندنا است اینجا ببینید صح فی المملوک عندنا می‌گویند این هم تعبیر به اجماع دارد ، مثلا یک امالی شیخ طوسی نمی‌دانم مجلس 59 است یا 61 است چند است ، املی علینا شیخنا ابو جعفر محمد بن علی دین الامامیة می‌گویند همین که گفتند دین الامامیة این دعوای اجماع است، دقت کردید ؟ صدوق اهل اجماع نیست یعنی کلمه‌ی اجماع در کتاب‌های صدوق شما نمی‌بینید ، دقت می‌کنید ؟**

**اما این دین الامامیه را دارد این را به منزله‌ی اجماع گرفتند بعضی کتب متاخر ما امثال مستمسک ، جواهر مثلا گفتند صدوق هم ادعی انه من دین الامامیة فادعی فیه الاجماع ، اجماع نگفته است تعبیر به دین الامامیه کرده است خوب دین الامامیه مثل آقای خوئی مثلا می‌گوید منهاج من دین الامامیة است خوب این فتوی است دیگر نه اینکه اجماع باشد فتوای فقیه است بالاخره ایشان که روی فقه شافعی که فتوی نداده است روی دین امامیه فتوی دادند اما این معنایش اجماع نیست .**

**حالا ایشان می‌گوید که عندنا مرحوم ملا محمد امین زیاد آورده بلا خلاف ، بلا خلاف اجده ، وادعی علیه غیر واحد الاجماع ، بالاجماع المنقول ، خیلی تعابیر علمای ما در اجماع خود تعابیرشان مختلف است ، این هم یکی از کارهایی است که در اجماع باید بشود، مثلا عندنا آیا دلالت بر این می‌کند که اجماع است یا عندنا یعنی ما با قواعد به این نتیجه رسیدیم با قواعد دقت کردید ؟ طبق قواعد می‌گوید باید درست باشد ، اما اگر اجماع باشد نه احتمال تعبد درش هست .**

**یکی از حضار : یک کتاب هفت جلدی است برای اجماعات شیخ است .**

**آیت الله مددی : بله آن صغریات است دارم چرا آن را هم دارم محبت کردند فرستادند برای من ، آن هم خوب است اجماعات ، البته بحث صغری پیچیدگی خاص خودش را دارد حالا اینهایی که مثلا خود مرحوم آقای شیخ اسد الله تستری موفق شدند حالا کبرایش هم پیچیدگی خاص خودش را دارد اما صغری پیچیدگی زیادی دارد ، صغریاتی که درش ادعای اجماع شده خیلی کار می‌خواهد رویش کار می‌خواهد من نمی‌خواهم الان وارد بحث بشوم غرضم این کلمه‌ای که مرحوم**

**آن وقت مرحوم امثال شیخ و صاحب جواهر و اینها عرض کردم یک مکتبی است که این دیگر بعد از قرن دهم ، یازدهم تقریبا بعد از آمدن صفویه در بین شیعه متعارف شد به آن شهرت بین اصحاب مثلا اجماع اصحاب این رویش حساب باز کردند یعنی اینکه یک چیزی تلقی به قبول بشود این را رویش حساب ، در جواهر زیاد است .**

**و لذا عرض کردیم کرارا مرارا خیلی از جاهایی که صاحب جواهر ادعای شهرت می‌کند محقق نیست شهرت ، صغری ندارد . حالا غیر از اینکه آقای خوئی می‌گوید آقا ما قبول نداریم ، شهرت را جابر نمی‌دانیم مثلا ، غیر از آن اشکال اصولا شهرت گاهی محقق نیست ، این به خاطر اینکه از زمان صاحب جواهر این کار زیاد شد در کتب ما بعد از جواهر انصافا عرض کردم در میان کتب در این لحظه‌ای که من در خدمتتان هستم ، شاید خیلی از آقایان توجه ندارند که متاثر هستند به جواهر این را دقت بکنید ، ولی وقتی ریشه یابی می‌کنیم بیشتر این شهرات و اجماعات و اینها بیشتر تاییدش از جواهر است شیخ هم همینطور است مثل استادش مرحوم صاحب جواهر ، عندنا کما فی جامع المقاصد ، البته نوشتند که در جامع المقاصد این تعبیر نیامده است در حاشیه‌اش نوشتند .**

**و إجماعاً، كما عن الغنية ،**

**عرض کردم در غنیه تعبیر به اجماع شده لکن اجماعات غنیه اختیارات فقهی ایشان است ، اصلا غنیه طبیعتش این است مثل سید مرتضی هر چه فتوای خودش است اجماعی می‌داند دقت کردید ؟ اصلا روایات ذکر نمی‌کند لذا اجماعات غنیه معروف است که ارزش ندارد به خاطر اینکه فتوای فقهی است مثلا این ادعای ایشان این است ؛**

**و يدلّ عليه: إطلاق مكاتبة الصفّار المتقدّمة .**

**و دعوى: انصرافه ،**

**بعد این را قبول نمی‌کند ، بله .**

**ممنوعة ،**

**ایشان فقط گفته ممنوعة ، بعد من چون یک کمی می‌خوانم این را ، اینکه می‌گویند روایت صفار ما یملک و ما لا یملک است ما ما یُملک و ما لا یُملک هستیم پس به درد ما نحن فیه نمی‌خورد ، ایشان می‌گوید این دعوی انصراف بدوی است و الا ارزش ندارد چون نائینی همین انصراف را شرح داده یک کمی شرح داده یک کمی هم از عبارت نائینی می‌خوانیم رضوان الله علیه .**

**بل لا مانع من جريان قاعدة الصحّة،**

**که عرض کردیم خلاف قاعده است ، قاعده‌ی صحه در باب عقود و معاملات جاری نمی‌شود ، اصالة الفساد جاری می‌شود ، در عقود و معاملات اصل اولی فساد است ، توضیح هم عرض کردیم اصلی نداریم به عنوان اصالة الفساد توضیح عرض کردیم ، نکته‌ی فنی‌اش این است : معاملات اصولا یعنی ما احکامی که در شریعت انجام می‌دهیم دو جور است یک عده‌ایش اساسا التزام قانونی است که قانون ما را ملتزم می‌کند به آن کار خوب اینکه واضح است .**

**یک عده‌ای هم التزامات شخصی است ، خودمان انجام می‌دهیم ؟ مثلا می‌گوید نذر می‌کنم نماز شب بخوانم ، نماز شب را به خودم واجب می‌کنم ، این را می‌گویند التزامات شخصی ، نذر التزامات شخصی است ، عهد التزامات شخصی است ، عقد التزامات شخصی است ، شرط التزامات شخصی است ، عهد التزامات شخصی است ، دقت کردید ؟ اینها را می‌گویند التزامات شخصی .**

**آن وقت التزامات شخصی اینها نیست فقط ، نیابت . ببینید شما می‌روید حرم حضرت معصومه زیارت می‌کنید ، خوب زیارت را شما کردید فعل از شما صادر شده است عادتا فعل نسبت داده شده به شخصی که از او صادر شده است دیگر فعل از این صادر شده است ، می‌گوید می‌خواهم ثواب زیارت را برای پدرم قرار بدهم این می‌شود التزام شخصی ، یعنی شما هر چه تصرفی را که شخص ، دقت کردید چه شد ؟**

**می‌خواهید نماز قضای خودتان را بخوانید درست اما قضای میت این التزام شخصی ، لذا عده‌ی زیادی از اهل سنت قضای میت را هم واجب نمی‌دانند ، در میان ما هم خود ما هم احتیاط وجوبی کردیم انصافا دلیل روشنی ، خیلی مشهور است اما دلیل روشنی نداریم ، علی ای حال ان شاء الله این بحث‌هایش جای خودش .**

**مثلا نیابت از میت عرض کردیم نیابت از ، در بنای اصحاب این است که در واجبات نیابت از شخص زنده به هیچ وجه ممکن نیست الا در مستحبات و الا در خصوص حج ، چون روایت خاص دارد ، اما نیابت از میت در واجبات و مستحبات هر دو درست است ، نیابت از میت بین اصحاب ما درست است .**

**ببینید نیابت درست است یک مطلب است وجوب دارد یک مطلب دیگری است ، جوب قضاء مطلب دیگری است دقت می‌کنید ، اگر شما از میت نماز خواندید این نیابت درست است ، این یک مطلب است . اما اینکه یجب القضاء خصوصا علی اکبر الاولاد که آقایان قائل هستند این مطلب دیگری است وجوب مطلب دیگری است .**

**وجوب حج چرا چون روایت خاص از رسول الله هم دارد اکنت قاضیته قالت نعم فقال دین الله احق ان یقضی . علی ای حال من این قاعده‌ی کلی را و قاعده‌ی کلی این است که هر التزامی را که شخص می‌دهد شرعا برایش واجب نیست انجام بدهد من یک چیزی را التزام دادم این درست نیست چون شخص حق التزام ندارد ، حق جعل ندارد ، شخصی است دیگر ، می‌گوید نماز شب را بر خودم واجب کردم خوب بیخود واجب کردی .**

**لذا اصل اولی در التزامات شخصی فاسد است ، چرا ؟ این فساد روشن شد ؟ یعنی اصل اولی این است که التزامات شخصی منعقد نمی‌شود ، شخص نمی‌شود ؛ من نماز ظهر می‌خواندم یادم آمد نماز صبح نخواندم برگشتم به نماز صبح ، نمی‌شود .**

**یکی از حضار : التزامات شخصی اعم از باب عبادات است در معاملات هم ؟**

**آیت الله مددی : معاملات ، عبادات ، التزامات دیگر التزامات شخصی .**

**مثلا نیابت در عبادات است ، عقود در معاملات دیگر ، عقود به حساب شروط ، عهود ، نذر اینها همه هست ، اینها همه التزام شخصی است . لذا اصل اولی این است که التزامات شخصی نافذ نیست ، روشن شد چه می‌خواهم بگویم ؟**

**یکی از حضار : نذر که دلیل خاص دارد مثلا من نذر می‌کنم که اگر فلان کار**

**آیت الله مددی : خوب من نصف کلام این لا اله را گفتم بقیه‌اش را هم گوش کنید بعد اشکال کنید .**

**لذا معیار در التزام شخصی این است که قانون باید امضاء کند ، اگر قانون آن التزام شما را امضاء کرد آن وقت نافذ است ، روشن شد؟ پس اصل اولی این است که التزامات شخصی نافذ نیست مگر قانون بیاید پشت سرش بایستد .**

**یکی از حضار : دلیل این اصل چیست ، به خصوص در معاملات ؟**

**آیت الله مددی : اصل به خاطر اینکه این امور به حساب قانونی است باید دنبال قانون بود ، نمی‌شود آدم از خودش من در آوردی کاری انجام بدهد .**

**یکی از حضار : این که تکرار ادعاست که .**

**آیت الله مددی : بله ، نه تکرار ادعا نیست ، این ، بله باز مگر ، چون مفروض این است که قانون داریم ، اگر قانون داشته باشیم بدون قانون نمی‌شود کاری انجام داد ، شخص بما هو شخص حق ندارد .**

**یکی از حضار : یعنی جامعه به هم می‌ریزد ؟ منظورتان چیست ؟**

**آیت الله مددی : نه اصلا حقی ندارد ، می‌خواهد جامعه به هم برید ، تنها باشد ، خودش و رفیقش .**

**یکی از حضار : اگر مخالف قانون بود درست نیست .**

**آیت الله مددی : بله یعنی اگر بنا باشد که ما نظام قانونی را قبول بکنیم تا قانون**

**و لذا اینها آمدند مثلا عقود رضائی را از باب قانون گفتند قانون قرار می‌دهیم که عقود رضائی قبول می‌شود ، یعنی قانون قرار دادند ، مثلا گفتند تجارة عن تراض ، شما تراضی داشته باشید کافی است پس عقود رضائی را قانون امضاء کرده است ، دقت کردید ؟ اگر کسی عقود رضائی را گفت و شما قبول نکردید نه به خاطر اینکه چون حق جعل دارد شخص ، حق تراضی دارد ، نه چون روایت و آیه‌ی مبارکه دارد تجارة عن تراض ، اگر تراضی حاصی شد درست است ، هر جا تراضی حاصل شد .**

**مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی مرد فاضلی است ایشان در جهل به عوضین هم می‌گوید معامله درست است خلاف مشهور ، جهل به عوضین مشهور گفتند نهی النبی عن الغرر می‌گیرد صورت جهل را ، شما مثلا یک مقدار گندم می‌دهید به طرف می‌گویید آقا این مقدار گندم فروختم به اینقدر آن طرف هم قبول کرد می‌گوید این درست است ، تمسک به تجارة عن تراض ، می‌گوید تراضی هست دیگر حالا مقدارش را نداند ، اینکه گندم چند کیلوست نداند اما تراضی هست ، دقت کردید ؟ این خلاف مشهور است فتوای اصحاب ما این نیست ها ، خلاف مشهور اصحاب ما این است .**

**ایشان می‌گوید آقا تراضی هست پس این عقود رضائی را اگر کسی قبول کرد نه اینکه چون خودش می‌گوید ، چون این مبدائش این است که می‌گویند باز قانون پشت سر عقود رضائی هست ، دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : اصلا حاج آقا قانون این جوری فهمیده می‌شود که نمی‌شود تک تک را قانون بگوید باید این جوری باشد که اصل این است که همه‌ی رفتار ما صحیح الا اینکه قانون منع کند وگر نه اگر برعکسش را بگیریم همه باطل نیاز داریم روزانه از نبی بپرسیم این اقتضا را می‌خواهیم ، درست است یا نه ؟ یعنی اینکه هر روز نیاز باشد من برای معاملات بروم خدمت امام بپرسم خودش همین جمله را می‌گوید ، می‌گوید از این به بعد هر کاری خواستی بکن الا این چهار تا ، پنج تایی که من گفتم .**

**آیت الله مددی : ببینید آن اصالة الصحة فی فعل النفس عرض کردم خیلی مشهور است .**

**یکی از حضار : ولو التزامات را می‌خواهم بگویم .**

**آیت الله مددی : التزامات غیر از آن است .**

**یکی از حضار : نه التزامات در معاملات .**

**آیت الله مددی : نه غیر از آن است ، آثار می‌خواهد بار کند ، عبادات هم همینطور فرق نمی‌کند .**

**ببینید مثلا می‌گوید آقا من سیگار بکشم یا نه می‌گوید اصل اولی اباحه است ، یک عده‌ای هم که قائل به اصالة الحزم هستند آن بحث دیگری است می‌خواهم سیگار بکشم یکی یکی اینها را از شارع سوال بکنیم ، یکی یکی سوال کردن از شارع در صغریات غلط است اما در کبریات چرا .**

**یکی از حضار : چرا در صغریات شما می‌گویید اصل این است که تمام**

**آیت الله مددی : اصلا بنا نیست در صغریات شارع نظر بدهد ، قانون نظر بدهد .**

**یکی از حضار : بالاخره جمله‌ای باید بگوید که این صغریات را بگیرد من سوال می‌کنم خیلی**

**آیت الله مددی : شارع رسمش بر کبریات است در صغریات هم اگر بخواهد دخالت کند عنوان ثانوی است مثلا می‌ید وسواسی هستید علمت اعتبار ندارد .**

**یکی از حضار : خوب می‌خواهم بگویم التزامات شخصی خیلی زیاد است ما نیاز است تک تک بپرسیم تا شارع نگوید**

**آیت الله مددی : تک تک خارجی نه ، عنوانی . آن می‌گوید شما همین که بیع داشتید همین که خرید و فروش شد و تراضی بود کافی است می‌خواهید علم داشته باشید یا نداشته باشید . اینکه من الان دیدم بعضی از این ایرانی‌ها نوشتند ، نوشتند از قرن هفدهم میلادی رنسانس به اصطلاح از قرن هفدهم چون اصل آزادی آمد اینها از راه اصل آزادی که اصل اولی آزادی انسان‌هاست ، انسان‌ها در همه‌ی کارهایشان آزاد هستند پس می‌توانند هر نحو التزام بکنند ، این عقود رضائی را از این راه درست می‌کنند .**

**یکی از حضار : حاج آقا می‌گویند هر گونه التزام در چارچوب قانون مثلا اینکه کسی بگوید هرگونه التزام ولو قانون نباشد همان جا هم نمی‌گویند**

**آیت الله مددی : نه چرا می‌گویند دیگر خوب .**

**یکی از حضار : و لو در چارچوب قانون خودشان که باید باشد**

**آیت الله مددی : نه نیست نباید باشد ، می‌گوید همین ، خوب می‌گویم دیگر خوب نوشتند چاپ کردند دیگر ، می‌گوید بعد از دوران نهضت آزادی که دورانی که آزادی آمد این را به معاملات هم سرایت دادند آزادی را ما بیشتر روی قضایای سیاسی گرفتیم اینها آوردند روی قضایای معاملات هم دیدند ، گفتند اصل اولی آزادی انسان است .**

**و لذا عرض کردیم کرارا مرارا و تکرارا الناس مسلطون علی اموالهم رکن اساسی سرمایه‌ داری فعلی این است ، اینکه آقای خوئی مثلا گفته الناس مسلطون یعنی شارع مقدس چند تا عقد معین کرد تو دلت می‌خواهد مالت را به هر عقد بفروشی این نیست مراد روایت ، اگر چه روایت نیست این .**

**یکی از حضار : گفتن ندارد .**

**آیت الله مددی : بله گفتن ندارد که اصلا اینکه مسخره است که .**

**یعنی توجیه کردند آقای خوئی که این روایت را ما ، اولا این روایت نیست الناس مسلطون ، عرض کردم قانون رم است یا یونان باستان باید باشد ، عرض کردم روایاتی که درش عقلاء و ناس دارد اینها روایت نیستند ، اقرار العقلاء علی انفسهم جائز ، کل امر مثلا الناس مسلطون علی اموالهم ، اینها جزء قواعد ، اصلا جزء مثل المؤمنون عند شروطهم نیست ، المؤمنون ، المسلمون اینها حکم اسلامی هستند اما چیزهای دیگر .**

**و لذا اگر قانون امضاء کرد این التزام شما را شما التزام دادید که این کار را انجام بدهید ، اگر قانون ، آنها می‌گویند آقا آزادی است مگر بخورید یک جایی رسما به قانون بخورد مشکل با قانون مقابله داشته باشد .**

**یکی از حضار : شما می‌فرمایید اسلام برعکس این را گفته است .**

**آیت الله مددی : بله قاعده‌اش این طور است التزامی که شما می‌خواهید بدهید به خودتان التزام می‌خواهید بدهید ، التزام می‌خواهید بدهید یک پولی را بدهید این باید امضاء بشود این التزام ، آن وقت امضایش چطوری است ؟ اوفوا بالعقود ، اوفوا یعنی تمام بکنید وفاء خودش به معنای تمام است .**

**عرض کردم این کلمه‌ی درهم وافی که می‌گویند مراد از وافی گفتن ، کلمه‌ی اوفوا از ، مثل درهم وافی مراد از درهم وافی را یک خورده دقت کنید چون در آن زمان‌ها زیاد شده که در درهم چیز دیگری هم بود مثلا مس و اینها هم قاطی می‌کردند درهم وافی آن درهمی بود که صد در صد نقره بود روشن شد ؟**

**درهم وافی یعنی درهمی که درش هیچ چیزی غیر از نقره نبود ، این شد درهم وافی ، می‌گوید عقود را وفاء بکنید یعنی عقود را تماما طبق همان که عقد بستید انجام بدهید ، المؤمنون عند شروطهم و لذا عرض کردیم ما در التزامات شخصی رضائی دو چیز داریم در اسلام یکی خود التزام است که صلح است اسمش ، یکی التزام فی التزام است که اسمش شرط است .**

**گفت که المؤمنون عند شروطهم الا شرطا احل حراما ، این رضائی است یعنی شما می‌توانید هر شرطی را بکنید مگر خلاف قانون ، چرا چون شخص نمی‌تواند خلاف قانون انجام بدهد . و لذا عرض کردیم اینکه در کتاب شیخ آمده و دیگران مثلا یشترط فی الشرط امور یکی اینکه مخالف مثلا تحلیل حرام ، گفتیم این شرط نیست این حقیقت امضاء شرط است ، این اشاره به این است شرطی اصولا ، اصلا در میدان عقلاء هم همین طور است التزام شخصی وقتی امضاء می‌شود که با قانون برخورد نکند بخواهد با قانون برخورد بکند که امضاء نمی‌شود که .**

**آن وقت لذا اوفوا بالعقود را این را امضاء می‌دانند روشن شد ؟ تا نیامده دلیلی بر امضاء نیاید اصل اولی ، آن دلیلی که ما داریم خوب مثل این عقدهای حالا غیر از متعارف مثلا ، این معلوم نیست عقد باشد ، بله آقا ؟**

**یکی از حضار : شما می‌فرمایید در شرط ما داریم چنین جمله‌ای را در التزامات شخصیه نداریم که کل التزامات شخصیه جایز است الا احل حراما این اصلا گفتن ندارد مثل همان طوری که شرط را انسان می‌فهمد که مثلا اگر**

**آیت الله مددی : لذا عرض کردیم ببینید التزامات شخصی که رضائی شما می‌خواهید قرار بدهید هر جور که می‌خواهید قرار بدهید دو جور در اسلام تصویر شده است ، یکی صلح است آن خودش التزام است ، شما هر جور می‌خواهید مصالحه کنید ، بیع نمی‌شود ، بیع شرایط دارد . شما یک مقدار گندم هست این گندم را مصالحه کردید اشکال ندارد صلح است ، دقت کردید ؟ شما می‌خواهید التزاماتتان را توسعه بدهید می‌خواهید گندم مقدار مجهول را بفروشید می‌گوید بیع نمی‌شود ، بیع باید معلوم باشد اما صلح جایزٌ ، مصالحه کردید راضی ، صلح حقیقتش تراضی بین طرفین است ، دقت کردید ؟ حقیقت صلح تراضی بین طرفین است . دو طرف تراضی کردند که این مقدار گندم 10 هزار تومان تمام شد .**

**آن وقت لذا اشکال ندارد الصلح جائز من المسلمین ، صلح نافذ است ، جائز یعنی امضاء کردم من ، این التزام ابتدایی است دقت کردید بعد دقت کنید بعد گفت الا صلحا خیلی عجیب است ها ما دو جا داریم این را یکی در صلح داریم یکی در شرط داریم ، الا صلحا احل حراما او حرم حلالا ، اگر مصالحه کردیم به چیزی که می‌خواهیم حلال را بردارد نمی‌شود .**

**یکی از حضار : بر عقد جدید پس می‌گویند نمی‌شود چون که**

**آیت الله مددی : ها اگر شما بیع دارید گفتید بعت این باید با شرایط بیع باشد .**

**یکی از حضار : بله چون آن گفته بود .**

**آیت الله مددی : ها دقت کردید ؟ چون حدودش را شارع ، لذا بیع می‌شود عقد شکلی ، صلح می‌شود عقد رضائی .**

**یکی از حضار : عقد جدید چه ؟**

**آیت الله مددی : عقد جدید هم همین ، اگر اوفوا بالعقود را شامل دانستیم هر چیزی که منافات با قواعد کلی عقود ، مثلا غرر درش نباشد ، فلان درش نباشد ، نباشد عقد مستقل است مثل عقد بیمه ، عرض کردم مرحوم آقای خوئی بیمه را از راه هبه‌ی معوضه گرفتند عده‌ای هم خوب باطل می‌دانند چون می‌گویند غرری است اصلا باطل می‌دانند بیمه را . عده‌ای هم مثل مرحوم آقای خمینی ایشان عقد مستقل گرفتند از باب اوفوا بالعقود ، می‌تواند عقد مستقل است چرا هبه‌ی معوضه باشد ، یک قراردادی است فقط این حدود قرارداد باید جوری باشد که غرر درش نیاید ، دقت کردید ؟ غرری نباشد ، حالت غرر و جهالت و خطر به اصطلاح امروزی‌ها می‌گویند ریسک پذیری، حالت ریسک پذیری ، خطر پذیری درش نباشد ، دقت کردید ؟**

**پس بنابراین این اصالة الصحة که ایشان فرمودند حالا اصالة الصحة را نائینی جور دیگری معنا می‌کند دیگر آن را هم می‌خوانیم به خاطر فواید علمی‌اش می‌خوانیم و الا ما قبول نداریم .**

**یکی هم بل اللزوم فی العقود ،**

**قاعده‌ی اوفوا بالعقود دقت کردید ، شیخ تمسک می‌کند به قاعده‌ی اوفوا بالعقود چون بالاخره سرکه که درش بوده است ، بله . عدا ما يقال ، آن وقت اشکالاتی که جلوی این قاعده را می‌گیرد ایشان متعرض شدند که نائینی هم متعرض شدند بهتر است ان شاء الله ...**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**